

نقش پدر در تربیت دینی فرزندان در دوران نوجوانی از منظر آیات و روایات

کلثوم رسولی (کمالی)^۱

عبدالقادر کمالی^۲

چکیده

فراموش شدن وظایف‌های تربیتی پدران و کمرنگ شدن نقش تربیتی آنان، به‌ویژه در دوران حاضر، آثار و عواقب ناگواری را در شخصیت کودکان، محیط خانواده و فضای جامعه در پی داشته است. در اسلام، وظایف‌های تربیتی پدر در ابعاد گسترده و در مراحل مختلف زندگی کودک، در یک سیستم تربیتی تبیین شده‌اند که با مراجعه به آیات، روایات و متون دینی قابل تفکیک و دسته‌بندی می‌باشند. در این نوشتار، اهمیت نقش تربیتی پدر، زمینه‌های اجرای وظایف تربیتی او در دوران قبل از ازدواج و قبل از ولادت فرزند، تفکیک و تبیین این وظایف از دیدگاه اسلام، مورد بحث قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: پدر، فرزندان، نوجوانی، آیات، روایات، تربیت دینی.

۱. گروه تفسیر و علوم قرآن، مجتمع آموزش عالی شهیده بنت‌الهدی، جامعة المصطفی (ص) العالمیة، سرپل، افغانستان.

ایمیل: gol.kamali@gmail.com

۲. گروه تاریخ و تمدن اسلامی، جامعة المصطفی (ص) العالمیة، سرپل، افغانستان.

مقدمه

از دیدگاه اسلام، پدر دارای نقش ویژه در رابطه با تربیت کودک است به طوری که حتی مادر، قادر به ایفای برخی از این وظایف نیست. متأسفانه به سبب فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی، نقش پدر در تربیت کودک رنگ باخته است. عدم شناخت صحیح وظایف پدری در امر تربیت و یا عدم آگاهی به پشتوانه‌های اخلاقی و آثار این وظایف و در نتیجه عدم احساس مسئولیت نسبت به آن‌ها است.

در بسیاری از آثار تربیتی نیز، تنها تأکید بر نقش تربیتی مادر و یا حداکثر نقش والدین می‌شود و از پرداختن مستقل به نقش ویژه پدران، کمتر اثری دیده می‌شود و یا اگر کتاب یا مقاله‌ای در این زمینه وجود دارد تنها به برخی از وظایف تربیتی پدر پرداخته و یا اگر هم نگرشی کلی بر این وظیفه‌ها داشته، با استناد به متون دینی نبوده است.

در آیات و روایات بر نقش اساسی پدر در امر تربیت کودک و آثار و پشتوانه‌های آن بسیار تأکید شده و وظایف تربیتی او به طور مشخص تبیین گردیده است که قابل دسته‌بندی می‌باشند و همچنین اولویت‌ها در این زمینه و روش‌های اجرای درست این وظایف نیز ارائه گردیده است.

۱. اهمیت نقش تربیتی پدر

زحماتی که هر پدری متقبل می‌شود، از یک سو وظیفه دینی و از سوی دیگر وظیفه اخلاقی است. از نظر دینی کودکان و همسر بر پدر و شوهر حقی دارند. از نظر اخلاقی نیز کودکان همانند مهمان‌هایی هستند که به دعوت پدر و مادر در این سفره که همان خانواده است حاضر شده‌اند. حالا که حضور پیدا کرده‌اند، پدر وظیفه دارد از این مهمان‌ها به خوبی و به وجه شایسته و نیک پذیرایی کند.

جایگاه تربیتی پدر از آنجا سرچشمه می‌گیرد که او در کلیه عواملی که در آینده کودک و شکل‌گیری شخصیتش اثر گذارند، دارای نقشی ویژه است. از نظر وراثت، کودک صفات و ویژگی‌های جسمی، اخلاقی و روانی پدر را به ارث می‌برد. در اسلام، پدر

ریاست خانواده را به منظور رعایت مصالح آن بر عهده دارد. رسول خدا (ص) فرمودند: «فالرجل سید اهله...» (هندی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۲).

بنابراین، در محیط خانواده نیز تعیین نظام ارزشی حاکم بر خانه، تنظیم روابط اعضای آن، سازمان‌دهی و تقسیم وظایف، ایجاد هماهنگی و امنیت روانی، وابسته به پدر است. همچنین در این محیط، پدر از نظر کودک، مظهر اقتدار، دانایی، قانون و حمایت به شمار می‌آید و نقش الگویی برای کودک دارد به طوری که بسیاری از رفتارهای پدر، مستقیم و غیرمستقیم در وجود کودک منعکس می‌شوند. در رابطه با اجتماع نیز، پدر به عنوان حلقه اتصال جامعه با خانه و مسئول تنظیم این ارتباط، مهم‌ترین نقش را در آماده‌سازی و چگونگی ورود کودک به صحنه اجتماع دارد، به طوری که هرچه کودک از سنین خردسالی فاصله می‌گیرد، این نقش پررنگ‌تر می‌شود. همچنین چگونگی مشارکت و هماهنگی پدر با مادر در امر تربیت کودک تأثیر مستقیم داشته و در واقع پدر، مکمل نقش تربیتی مادر نیز هست. با توجه به این موارد است که در روایات، تأکید در تربیت فرزند از حقوق او بر پدر به شمار آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۳۶) و همچنین تربیت نیکوی فرزند توسط پدر، برتر از انفاق هرروزه (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۱۶۶)، بهترین هدیه (هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۵۶) و برترین میراث (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۸۵) و معیار قدر و منزلت مؤمن در پیشگاه پروردگار (هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۸۹) قلمداد شده است.

۲. وظایف پدر قبل از تولد فرزند

از دیدگاه اسلام، تربیت فرزند، پیش از تولد آغاز می‌گردد. بر این اساس، رعایت مواردی که زمینه‌ساز ایفای هرچه بهتر و مناسب‌تر وظایف تربیتی هستند مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این زمینه‌ها در ارتباط با وظایف تربیتی پدر که برخی مربوط به دوره قبل از ازدواج والدین و برخی مربوط به دوره قبل از ولادت فرزند هستند، عبارت‌اند از:

۱-۲. انتخاب همسر شایسته

از آنجاکه مادر، از نظر وراثت و امور اخلاقی و تربیتی نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری

شخصیت کودک دارد و از این جهت که ایجاد وحدت و هماهنگی در امر تربیت فرزند از وظایف پدر به عنوان رئیس خانواده است، عدم دقت در انتخاب همسر شایسته، ناهماهنگی والدین در تربیت کودک را در پی خواهد داشت که منجر به تزلزل شخصیت او خواهد شد. از این روست که مرد باید با توجه به الگوی انتخاب همسر که در اسلام ارائه شده است، نکاتی را رعایت نماید و با زنی ازدواج کند که: ۱- دین‌دار و با ایمان باشد. ۲- دارای خانواده‌ای متدین و نجیب باشد. ۳- پاک‌دامن و صالحه باشد. ۴- از سلامت جسمی، روانی و عقلی برخوردار باشد (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۲۳، ۵۶ و ۵۷؛ هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۹۶).

۲-۲. آمادگی برای قبول مسئولیت پدری

پدر شدن به معنای قبول امانت‌داری از هدیه الهی است و لذا مسئولیت‌های زیادی را در پی دارد که انجام آن‌ها متوقف بر دارا بودن لیاقت‌ها و صلاحیت‌هایی است. موفقیت در این مسئولیت‌ها مستلزم آگاهی، فداکاری، مراقبت، اخلاق، تدبیر و معنویت است.

از دیدگاه اسلام، رعایت مصالح خانواده بر عهده پدر است و او در قبال آن‌ها پاسخگو خواهد بود. پیامبر (ص) فرمودند: «والرجل راع علی اهل بینه و هو مسئول عنهم...» (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۲۵).

پدر، مسئول حفظ و صیانت خانواده از خطرات جسمی، اخلاقی و معنوی است؛ لذا در آیه مبارکه می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم، ۶).

مسئولیت پدر بودن از یکسو وظیفه‌ای دینی است چه آن‌که دین بر گردن او برای فرزندان، حقوقی را قائل شده است و از سوی دیگر وظیفه‌ای اخلاقی نیز هست چه آن‌که پدر و مادر بودند که فرزند را پدید آوردند و حال نیز باید به وجهی شایسته از عهده حقوق او بر آیند.

پدر باید بداند که فرزند استمرار وجود او در آینده و ذخیره قیامت اوست. با عنایت به مسئولیت پدری است که امام سجاده (ع) می‌فرماید: «حق فرزند این است که بدانی

او از توسل و خیر و شرش در دنیا به تو منتسب است، تو مسئول ادب خوب و تربیت نیکویش هستی... پس در تربیت او به مانند آن کس عمل کن که می‌داند اگر درباره فرزند احسان کند پاداش می‌برد و اگر درباره‌اش بدی نماید معاقب و مورد کیفر خواهد بود» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۶۳).

بنابراین پدر بودن نه تنها یک فن، بلکه یک هنر است و در نتیجه باید ناشی از آگاهی و مهارت باشد. برای پدر خوب بودن، عقل، تدبیر، برنامه‌ریزی و داشتن طرح و برنامه و هدف و روش، ضروری است. از این رو باید قبلاً برای قبول این مسئولیت‌ها و کسب لیاقت‌ها آماده و تجهیز شد. این آمادگی باید هم از نظر روحی حاصل شود و هم از نظر اخلاقی و رفتاری. از نظر روحی باید به مسئولیت‌هایی که در زمینه نگهداری و تربیت فرزندان بر عهده دارد، آگاهی یابد و از نظر رفتاری و اخلاقی باید مراقبت نماید که به آلودگی‌های جسمی، روانی و رذایل اخلاقی دچار نشود. همچنین باید به ارزیابی توانایی‌های خود و همسرش در ارتباط با این مسئولیت‌ها مبادرت کند و درصدد رفع نقاط ضعف برآید. رسول خدا (ص) فرمودند: «ان الله لیفلاح بصلاح الرجل المؤمن وُلده و ولد وُلده» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۱۷۸)؛ یعنی خداوند به سبب شایستگی مرد مؤمن، فرزندان او و فرزندان فرزندان او را درست‌کار می‌سازد.

۳-۲. شرایط انعقاد نطفه

کیفیت انعقاد نطفه و شرایط زمانی و مکانی و حالات روانی پدر و مادر بر روی نطفه و آینده کودک آثار و عوارض مثبت یا منفی دارد، از این رو در روایات و متون دینی توصیه‌هایی در ارتباط با انعقاد نطفه مورد تأکید قرار گرفته‌اند. برخی از این موارد جهت ایجاد زمینه‌های مناسب مورد سفارش قرار گرفته‌اند مانند یاد و نام خدا، دعا کردن و همسر را امانت خدا دانستن و درخواست فرزند سالم و صالح، آمادگی روحی و روانی برای روابط زناشویی (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۹۶؛ طبرسی، ۱۴۳۲، ص ۲۰۸).

برخی دیگر جهت پیشگیری از زمینه‌های نامناسب، تحت عنوان حرام یا مکروه

مطرح شده‌اند. ایجاد روابط زناشویی در ایام زایمان و عادت ماهانه بانوان و قبل از غسل آن دو، از نظر شرع تحریم شده است. همچنان که به هنگام عصبانیت، بیماری، وقوع زلزله، خسوف و کسوف و در حالت صحبت کردن و در حضور دیگران، روبه قبله یا پشت به قبله، از روابط زناشویی نهی شده است؛ و در ایام و ساعاتی همانند هنگام طلوع فجر تا طلوع آفتاب، هنگام غروب آفتاب تا زمانی که سرخی شفق برود، شب عید فطر و قربان، شب اول و نیمه و آخر ماه‌های قمری به جز شب اول ماه رمضان، بین اذان و اقامه آن را ناپسند دانسته‌اند. به‌ویژه از انجام روابط زناشویی پس از احتلام و پیش از غسل یا وضوء، یا در آن حالت به فکر شخص دیگر بودن، شدیداً نهی شده است (حرعامل، بی تا، ج ۱۴، ص ۹۷، ۹۰، ۸۷-۹۹).

۲-۴. دوران جنینی

رحم مادر اولین محیط پرورش کودک است و کوچک‌ترین غفلت و سهل‌انگاری در دوران جنینی بسیاری از نابهنجاری‌های عقلانی، روانی و جسمی را برای کودک در پی خواهد داشت. از این‌روست که در احادیث، از این دوره به‌عنوان مرحله‌ای که سعادت و شقاوت کودک در آن رقم می‌خورد یاد شده است (هندی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۴۶۷). به همین جهت در این راستا از نظر اسلام، وظایف پدر را به‌عنوان ولی کودک و رئیس خانواده می‌توان در سه محور مراقبت‌های جسمی، روانی و اخلاقی بررسی نمود:

الف) تأمین امنیت روانی مادر

در دوران بارداری، هرگونه تغییر رفتار و احساس شوهر که نشانه بی‌توجهی و یا بی‌علاقگی او نسبت به جنین باشد، ناپسند شمرده شده چه آن‌که مادر را در معرض فشارهای روانی قرار داده و برای جنین خطرآفرین است. درحالی‌که توجه و محبت بیشتر به مادر می‌تواند از ناراحتی‌های احتمالی وی بکاهد. پیامبر^(ص) فرمودند: از حقوق فرزند بر پدر خود آن است که مادر وی را احترام و اکرام نماید (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۹).

ب) مراقبت‌های اخلاقی

از وظایف پدر در دوران بارداری، مراقبت از فضای اخلاقی خانواده و دور نگاه داشتن آن از آلودگی‌ها و گناهان است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۸۵ و ج ۷۳، ص ۳۶۶).

ج) مراقبت جسمانی از مادر

وضع تغذیه مادر در ایام بارداری، در سلامت و بیماری، نیرومندی و ضعف جنین اثر دارد، همچنان که در میزان هوش و حافظه نیز مؤثر است، به‌ویژه هنگامی که مرحله زایمان نزدیک‌تر می‌شود اهمیت این امر افزایش می‌یابد. به همین جهت در اسلام توصیه‌هایی مبنی بر استفاده زنان باردار از بعضی غذاها و میوه‌ها به‌عمل آمده است (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۱۳۴-۱۳۵). از آنجاکه پدر، تأمین نفقه خانواده را بر عهده دارد این خطاب‌ها پیش‌تر و بیشتر از هرکسی متوجه او خواهد بود.

۳. وظایف پدر در تربیت فرزندان

از آنجاکه انسان دارای ابعاد مختلف وجودی و استعدادهای متنوع است، تربیت نیز دارای ابعاد مختلف است. نقش پدر در گونه‌های مختلف تربیت اعم از عاطفی، اجتماعی، دینی و مذهبی و... بسیار قابل توجه است. در اینجا وظایف تربیتی را که در روزگار ما، نقش پدر در آن‌ها کمرنگ شده و یا فراموش گردیده‌اند، موردبررسی قرار می‌دهیم.

تربیت عاطفی: از مجموعه نیازهای آدمی، نیاز عاطفی از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌آید. بدون محبت می‌توان زنده بود ولی نمی‌توان زندگی کرد. کودکان بیشتر به توجه و محبت دیگران حساس هستند. از این‌رو در روایات و سیره عملی معصومین^(ع)، محبت به کودکان سخت مورد تأکید قرار گرفته است (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۲۰۱). یکی از ابعاد مدیریت پدر در خانواده، مدیریت عاطفی است. بنابراین مراقبت بر جریان متعادل محبت در فضای خانه و توزیع عادلانه آن از وظایف اصلی پدران به شمار می‌رود.

پدر باید بداند که در مسیر تربیت، محبت قوی‌ترین عنصر برای پذیرش و تفاهم

است. تربیت صحیح در فضای آکنده از مهر و محبت شکل خواهد گرفت و فرزندان را در محیط بزرگ اجتماع نسبت به مردم مهربان و خیرخواه می‌سازد و در زندگی خانوادگی آینده کودک نیز او را نسبت به همسر و فرزندان مهربان و شفیق می‌گرداند. با توجه به این آثار است که امام صادق^(ع) فرمودند: خداوند پدر را به واسطه شدت محبت او نسبت به فرزندش مورد رحمت قرار می‌دهد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۰). متأسفانه این نقش در روزگار ما به علت اشتغال زیاد پدران و یا برداشت‌های غلطی مانند این که پدر باید مظهر قدرت در خانواده باشد، به تمامی به مادران واگذار گردیده و یا سهم کوچکی را پدران عهده‌دار هستند. در حالی که کودک همواره با دو چشم خواستار محبت است، چشمی به مادر می‌نگرد و چشمی به پدر و بوسه مادر در کنار لبخند پدر تکمیل می‌شود. بسیاری از تندخویی‌ها، لجبازی‌ها، گوشه‌گیری‌ها، افسردگی‌ها، شب‌اداری‌ها، تقلیدهای بی‌مورد و ناسازگاری‌های افراد، معلول کمبود محبت و یا محرومیت از آن است.

اظهار محبت: هرچند علاقه به فرزند امری طبیعی است، اما محبت قلبی، نیاز درونی کودک به محبت را تأمین نمی‌کند. کودک نیازمند محبتی است که آثار آن را در رفتار والدین مشاهده کند و این امر به‌ویژه در پدران که نوعاً در ابراز محبت ضعیف‌تر هستند، باید بیشتر مورد دقت قرار گیرد. ابراز محبت قلبی پدر باید از همان لحظات اولیه تولد با نوازش‌ها، در آغوش گرفتن‌ها، بوسه‌ها و لبخندها آغاز شده و در نگاه‌های محبت‌آمیز، گفت‌وگوهای مؤثر، هدیه دادن‌ها، وفای به عهد، همبازی شدن‌ها، حضور گرم در محیط خانه، همگامی‌ها درختید و تفریح و معاشرت‌ها و احترام گذاشتن‌ها و مسئولیت بخشیدن‌ها، استمرار یابد. در آیات، از ابراز محبت به «مودت» تعبیر شده است (شوری، آیه ۲۳؛ روم، آیه ۲۱).

بنابراین اگرچه دوست داشتن فرزند امری فطری است، اما امور فطری نیز دچار تحریف یا تعطیل می‌شوند؛ برای پرهیز از این امر، در روایات، سفارش‌های مؤکدی به عمل آمده است که علاوه بر توجه به ابراز محبت، روش‌های این اظهار را نیز آموزش داده‌اند. در روایت است که پیامبر^(ص)، حسین^(ع) را می‌بوسید. شخصی

به نام اقرع بن حابس عرض کرد: «من دارای ده فرزند هستم و تاکنون هیچ‌یک را نبوسیده‌ام». رنگ چهره پیامبر^(ص) تغییر کرد و فرمود: «اگر خداوند رحمت و مهربانی را از قلب تو ریشه‌کن کند، با تو چه خواهد کرد؟ هیچ می‌دانی هرکس به کودکان مهربانی نکند و بزرگ‌ترها را عزیز نشمارد، از ما نیست؟» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳). همچنین در روایات، نگاه محبت‌آمیز پدر به فرزند که از راه‌های ابراز محبت است، عبادت محسوب شده (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۱۷۰) و همانند آزاد کردن بنده به شمار آمده است (هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۷۲).

از دیگر شیوه‌های مهرورزی، اظهار محبت زبانی است. پدر باید دوست داشتن خود را بر زبان آورد. این امر در سیره عملی معصومین^(ع) کاملاً مشهود است. البته بهتر است که این مهرورزی زبانی، حاوی پیام و در شکل مناسب هنری نیز باشد (مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۵۹). وفای به عهد نیز از راه‌های ابراز محبت است. پیامبر^(ص) فرمودند: ... «اگر به کودکان وعده‌ای دادید به آن وفا کنید، زیرا آنان روزی خود را به دست شما می‌بینند» (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۲۰۲).

از مصادیق مهم اظهار محبت، همبازی شدن با کودکان است. همبازی شدن پدر با کودک خود، در تعمیق و تلطیف روابط آن دو بسیار اهمیت داشته و در کسب مهارت‌های گفتاری و رفتاری کودک و کشف دنیای پنهان و نگرانی‌ها و مشکلاتش نقش عمده‌ای دارد. از این رو رسول خدا^(ص) فرمودند: «آن‌کس که کودکی دارد باید با او کودکی کند» (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۲۰۳). در کتاب وسائل الشیعة بابی تحت عنوان «باب استحباب التصابی مع الولد و ملاعبته» ذکر شده است. البته پدر بایستی بداند که بازی باید در راستای تربیت کودک بوده و در سایه آن انضباط، تفکر و خلاقیت را در او تقویت کند و اختلالات رفتاری را در او از بین ببرد.

رعایت اعتدال و عدالت در ابراز محبت: پدر باید در ابراز محبت، از افراط و تفریط دوری جوید چه تفریط در این امر، ارتباط فرزند با پدر را کمرنگ و سرد می‌کند و خطر گرایش کودک به فضاهای نامناسب تربیتی را در پی دارد و افراط در ابراز محبت نیز سلطه‌جویی، پرتوقعی، ناتوانی و عدم اعتماد به نفس کودک و فاصله گرفتن او از

واقعیت‌ها را به دنبال خواهد داشت. امام باقر^(ع) در این مورد فرمودند: «بدترین پدران کسی است که در نیکی به فرزند خود به افراط و زیاده‌روی کشیده شود» (تبعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲۰).

نکته مهم دیگر در ابراز محبت، رعایت عدالت میان فرزندان است. حتی اگر پدر یکی از فرزندان خود را به هر علتی بیشتر دوست داشته باشد، نباید آن را اظهار کند تا عوارض ناگواری مانند احساس خودکم‌بینی و ناسازگاری در آنان و حسادت، کینه و دشمنی میانشان پدید نیاید. اظهار محبت به کوچک‌ترها نباید چنان باشد که فرزندان بزرگ‌تر احساس بی‌مهری نمایند.

در روایات به صراحت، رعایت عدالت در مصادیقی از ابراز محبت مورد تأکید قرار گرفته است. پیامبر^(ص) فرمودند: «همانا خداوند دوست دارد در بوسیدن بین فرزندان خود عدالت را رعایت کنید» (هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۴۴). و نیز فرمودند: «در هدیه‌ها نیز بین فرزندان خود عدالت پیشه کنید چنان‌که دوست دارید در نیکی و لطف بین شما به عدالت رفتار شود» (هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۴۵).

با توجه به آثار تخریبی عدم رعایت عدالت در بین فرزندان، فقها فرموده‌اند: «تبعیض میان فرزندان در بخشش مکروه است و در مواردی که موجب فتنه، دشمنی، حسد، کینه و فساد گردد، حرام است» (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۱).

نوع محبت: پدر باید در محبتی که ابراز می‌کند، سن فرزند و جنسیت او مورد ملاحظه قرار دهد. گام زدن پدر با فرزند نوجوانش شاید برتر از بوسیدن او باشد. چه بسا ابراز محبتی که با سن فرزند تناسب ندارد، یا او را الوس بار می‌آورد و یا نتیجه معکوس می‌دهد. همچنین دختران به واسطه برخورداری از عواطف رقیق‌تر باید زودتر مورد محبت قرار گیرند. پیامبر^(ص) فرمودند: «هرکس وارد بازار شود و هدیه‌ای برای خانواده خود بخرد، چون کسی است که صدقه‌ای برای گروهی نیازمند برده باشد و اگر خواست آنچه را که به خانه برده است بین آنان تقسیم کند، از دختران شروع نماید، زیرا هر که دختر خود را خوشحال کند همانند آن است که بنده‌ای از اولاد اسماعیل را آزاد کرده باشد» (طبرسی، ۱۴۳۲، ص ۲۲۱).

محبت نباید مشروط و نوبه‌ای باشد: از آنجاکه فرزند همواره به محبت پدر نیاز دارد، نباید خدشه‌ای به این امر وارد آید گرچه از جهت رفتار بدش مورد تنبیه قرار گیرد. همچنین پدر نباید محبت خود را وسیله نفوذ در فرزند قرار دهد که مثلاً اگر فلان کار را انجام دهی، پدر تو را دوست ندارد. چه این امر اصل طبیعی محبت را مورد تردید و در معرض امکان سلب قرار می‌دهد و ثانیاً کودک با این عمل، معیار خوبی و بدی واقعی کارها را به‌درستی نخواهد شناخت چه فقط دوستی یا عدم دوستی پدر را معیار خوبی و بدی کارها می‌داند و ثالثاً محبت مشروط ممکن است کودک را به تملق‌گویی، فریبکاری و دروغ‌گویی سوق دهد.

تربیت اجتماعی: پدر به‌عنوان حلقه اتصال خانواده با جامعه، بیشترین نقش را در تربیت اجتماعی فرزندان و ایجاد مهارت‌های اجتماعی در آنان دارد. این مهارت‌ها شامل: مهارت داشتن ارتباط با دیگران، مهارت خرگوش دادن و همدردی و ارتباط غیرکلامی و مهارت در تشخیص احساسات خویش است. محققان مهارت‌های اجتماعی را در پنج طبقه: همکاری و کمک به دیگران، گفتار مناسب (تقاضا کردن و پاسخ دادن آشکار)، مسئولیت‌پذیری، همدلی (محبت همدردی) و خویش‌داری (صبور بودن و تحمل کردن) تقسیم‌بندی کرده‌اند.

بدون شک خانواده اولین نهادی است که این مهارت‌ها باید در آن کسب و تجربه شوند و پدر به‌عنوان مدیر این نهاد که وظیفه سامان‌دهی آن را به عهده دارد، دارای نقشی اساسی است. پیامبر (ص) فرمودند: «حق الولد علی الوالد ان یحسن اسمہ و یحسن ادبه» (هندی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۴۷۷). اهمیت نقش پدر در تربیت اجتماعی و ایجاد مهارت‌های مربوط به آن از چند زاویه قابل توجه است:

اولاً؛ پدر بایستی مفاهیم این اصول را به فرزند آموزش داده و مصادیق خیر، احسان، ایثار، تعاون، مشارکت اجتماعی و... را به کودک معرفی نماید و با انتخاب شیوه‌هایی مناسب او را به‌سوی این ارزش‌ها سوق دهد.

ثانیاً؛ پدر به‌عنوان مظهر دانایی و اقتدار از نظر کودک، بایستی خود الگوی برتر و معرف رفتاری باشد که کودک را بدان دلالت می‌کند.

ثالثاً؛ پدر باید با مراقبت و نظارت پیگیر، زمینه تکرار و تمرین این مهارت‌ها را فراهم آورده و با گرفتن بازخوردهای مناسب، این مهارت‌ها را در کودک تقویت و نهادینه نماید. همچنین در سنین بالاتر، تبیین درستی و نادرستی کارها زمینه مناسبی را برای ارتکاب رفتاری خاص پدید می‌آورد. پدر باید چنین تصور و شناختی را برای فرزند پدید آورد. در اینجا به مواردی چند در رابطه با وظیفه پدر در ارتباط با تربیت اجتماعی فرزند، اشاره می‌کنیم:

مشورت با فرزندان و سپردن مسئولیت به آنان: یکی از راه‌های تربیت اجتماعی فرزندان، نقش دادن به آنان در تصمیم‌سازی‌ها و پذیرش مسئولیت‌ها و ایفای آن است. پیامبر^(ص) فرمودند: «الولد سید سبع سنین وعبد سبع سنین و وزیر سبع سنین» (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۱۹۵). در این حدیث، فرزند در هفت سال سوم به‌عنوان وزیر، یعنی کسی که می‌تواند مسئولیتی را بپذیرد و به‌عنوان مشاور مورد مشورت قرار گیرد، معرفی شده است. بدیهی است لازمه چنین نام‌گذاری، تربیت و آمادگی فرزند برای پذیرش مسئولیت در دوره قبل از آن است یعنی دوره‌ای که بهترین زمان برای آموزش‌های لازم نیز محسوب می‌شود.

مشورت پدر با فرزندان و لحاظ رأی و عقیده آن‌ها، نوعی جلب مشارکت آنان بوده و موجب رشد شخصیت آنان می‌گردد چه با این کار احساس مفید بودن و مستقل بودن کرده و راه مبارزه با مشکلات و یافتن راه‌حل برای آن‌ها در آنان شکوفا شده و اعتماد به نفس در ایشان تقویت می‌گردد.

همچنین پدر با سپردن برخی مسئولیت‌های مربوط به خانواده و یا امور شخصی خود فرزندان به آن‌ها به تناسب سنشان آن‌ها، می‌تواند روحیه کار و فعالیت، مؤثر بودن، نظم و انضباط را در آن‌ها به وجود آورده و حس مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های تصمیم‌گیری را در آن‌ها تقویت نماید.

یاری کردن در انتخاب دوست: انتخاب دوست و حضور در جمع دوستان و گروه‌های همسال برای تربیت اجتماعی فرزندان لازم است، زیرا در این ارتباط، آثار رفتار خود با دیگران را مشاهده کرده و به تنظیم آن‌ها می‌پردازند و در این دادوستدهای

تجربی، پایه‌های رفتارهای اجتماعی آنان استحکام می‌یابد.

پدران وظیفه دارند فرزندان خود را با معیارها و ضابطه‌های دوست خوب آشنا نمایند و از تحمیل مصداق‌ها به آن‌ها پرهیزند. نقش پدران در این رابطه شبیه نقش نجات‌دهنده غریق است که مانع شنا کردن کسی نمی‌شود ولی مراقبت می‌کند تا کسی هم غرق نشود.

در روایات، معصومین^(ع) به زیبایی خطاب به فرزندان‌شان معیارها و ضوابط انتخاب دوست را به همراه دلایل آن‌ها ارائه کرده‌اند که این خود نیز در زمینه‌سازی ارائه ارزش‌ها قابل دقت است.

امام سجاد^(ع) فرزندان‌شان را از دوستی با پنج گروه بر حذر داشته و فرموده‌اند: «با آدم دروغ‌گو دوستی مکن، چه او مانند سرابی است که مطالب را برخلاف واقع نشان می‌دهد، دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه‌گر می‌سازد. از رفاقت با فرد فاسق و گناهکار اجتناب کن، زیرا چنین کسی تو را به بهای یک لقمه یا کمتر از آن می‌فروشد. از رفاقت با شخص بخیل پرهیز کن که او در ضروری‌ترین مواقع نیازمندی به او، تو را واگذارد. از دوستی با شخص ابله نیز بر حذر باش که می‌خواهد تو را کمک کند، ولی ضرر می‌زند. از مصاحبت با کسی که قطع رحم کرده نیز بر حذر باش که چنین شخصی در کتاب خدا مورد لعن و نفرین قرار گرفته است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۷۶-۲۷۷).

آموزش احترام به دیگران و برخورد سالم: پدر بایستی این حقیقت را در عمل به فرزندان‌شان نشان دهد که دیگران نیز همانند آنان دارای شخصیت و آبرو هستند و همچنان که آنان نمی‌پسندند مورد تمسخر و تحقیر قرار گیرند، دیگر افراد جامعه نیز متقابلاً همین انتظار را دارند.

پدر باید مراقبت نماید که احترام به دیگران و اصول همزیستی، در روابط فرزندان با والدین، برادران، خواهران و دوستان او شکل گرفته و نسبت به دیگران تعمیم یابد. پدر باید به فرزند خود بیاموزد که پاره‌ای از رفتارهای خوب یا بد دیگران عکس‌العمل و بازتاب رفتارها و برخوردهای خوب یا بد خود ماست.

لقمان حکیم به فرزند خود فرمود: «فرزندم، مردم را دشنام مده که سبب دشنام پدر و مادر خود گردی» (مفید، بی‌تا، ص ۳۳۶).

بسیاری از مظاهر احترام به دیگران در روایات معصومین^(ع) خطاب به فرزندانشان مورد تأکید قرار گرفته است از جمله: پیشی جستن در سلام، مصافحه کردن قبل از کلام، گفتار نیکو با مردمان، امانت‌داری، احسان به دیگران و بزرگ شمردن آن، عفو، راست‌گویی، خوش خلقی و پرهیز از مواردی چون عجب و تکبر، جدال، استهزاء و تحقیر افراد و ظلم و تجاوز به حریم دیگران و ...

علی^(ع) در پرهیز از تحقیر دیگران به فرزند خود امام حسن^(ع) فرمودند: «ای پسر، هرگز کسی را که می‌بینی کوچک بشمار، اگر بزرگ‌تر از توست پس او را پدرت بشمار و اگر همسال توست برادر بشمار و اگر کوچک‌تر از توست او را فرزند خود محسوب کن» (هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۱۷).

مجهز نمودن فرزندان در برابر افکار: پدر باید فرزند خود را با معارف صحیح دینی آشنا کرده و مرز خوبی و بدی را برای او روشن سازد تا در ورود به اجتماع برای رویارویی و مقابله افکار انحرافی آمادگی داشته و تحت تأثیر قرار نگیرد. امام صادق^(ع) فرمودند: «به آموختن روایات اسلامی (و معارف صحیح دینی) به نوجوانان خود مبادرت کنید، قبل از آن که گروه‌های انحرافی بر شما نسبت به آنان پیشی بگیرند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۷). اما بستری که می‌تواند این آشناسازی به معارف دینی در آن محقق شود آن است که فرزندان اجازه یابند سؤالات خود را مطرح نموده و با گشاده‌روی و زبان خوب، جواب‌ها را دریافت کنند. این نکته ظریف تربیتی در سیره عملی پیشوایان دینی، فراوان نقل شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۱۸۲؛ صدوق، ۱۳۶۱، ص ۴۰۱؛ صدوق، ۱۳۸۷، ص ۱۷۶).

تشویق به پیشی گرفتن در انجام کارهای خیر و تمرین صبر بر مشکلات: از امام موسی کاظم^(ع) نقل شده است که: روزی پدرم دست مرا گرفت و فرمود: «فرزندم، پدرم محمد بن علی نیز روزی دست مرا گرفت و فرمود: «پدرم علی بن الحسین دست مرا گرفت و فرمود: فرزندم، هرکس از تو کار خیری خواست برایش انجام بده،

اگر او اهل آن باشد تو به مقصود رسیده‌ای و اگر اهلش نباشد، تو خود شایسته و اهل آن خواهی بود (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۵۲۸).

همچنین پدر باید به تناسب و به تدریج، تجربیات خود را در راه برخورد با مشکلات در اختیار فرزندان قرار دهد و با هدایت تدریجی آنان به صحنه‌های زندگی زمینه‌ای فراهم آورد تا آنان در برخورد با سختی‌ها و ناملایمات خود را نباخته و احساس شکست ننمایند.

تمرین فرزندان بر صبر و مقاومت هدف‌دار در برابر مشکلات نیز از وظایف پدر به شمار می‌آید. در روایات به این نکته اشاره شده است که خوب است کودک را در کوچکی با سختی‌ها آشنا نمود تا در بزرگی صبور و بردبار بار آید (حرعاملی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۲۶).

از این رو باید اجازه داد در مواردی فرزندان، خود با مشکلات روبه‌رو شده و با ابتکار خود موانع را از سر راه بردارند تا به این ترتیب اراده آنان در مقابله با مشکلات تقویت گردد.

همچنین تمرین فرزندان به تفکر در امور و تدبیر و دوراندیشی در آثار و عواقب آن‌ها که موجب پیشگیری از بسیاری مشکلات می‌شود، از وظایف اساسی پدر در تربیت اجتماعی فرزند به شمار می‌آید.

علی^(ع) در وصیتی به فرزندان امام حسن^(ع) فرمودند: «تعمق و دوراندیشی پیش از عمل، تو را از پشیمانی ایمن می‌دارد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۸۶).

تربیت دینی و مذهبی: سجایای اخلاقی با تمام منزلتی که دارند اگر بر نهج و اساس ایمان مذهبی نباشند مانع سقوط بشر نخواهند شد. امام سجاد^(ع) در رابطه با وظیفه پدر نسبت به این‌گونه از تربیت فرزند می‌فرماید: «... و انک مسئول عمّا ولیته به من حسن الادب والدلالة علی ربه...» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۶۳). وظیفه پدر در این رابطه در سه مرحله قبل از ولادت، دوران ولادت و نوزادی و بعد از آن، قابل بررسی است.

تربیت دینی قبل از ولادت: از دیدگاه اسلام، وظیفه پدر در این مرحله، دقت در

انتخاب همسر شایسته، شرایط انعقاد نطفه، توجه به دوران حساس جنینی است که هریک از این موارد در بخش زمینه‌ها، مورد بررسی قرار گرفت.

تربیت دینی در دوران ولادت و نوزادی: از آنجاکه اسلام، برای نوزاد فطرت توحیدی قائل است، دستورات اسلام در تربیت کودک مبتنی بر نگرش خاص او نسبت به انسان است. از این جهت از همان آغاز تولد دسته‌ای از وظایف تحت عنوان مستحب و واجب را مطرح نموده است که پدر به عنوان رئیس خانواده و ولی کودک پیش از هرکس دیگر بایستی بر حسن اجرای آن‌ها نظارت داشته و یا آن‌ها را اجرا نماید. این وظایف عبارت‌اند از:

الف) تلقین شعائر دینی به نوزاد، شامل: گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ نوزاد در لحظات اولیه تولد، گام برداری (تحنیک) به آب فرات و تربت سیدالشهدا^(ع)، غسل مولود، نهادن نام نیکو که در روایات از حقوق فرزند بر پدر و به عنوان اولین نیکی پدر در حق فرزند از آن نام برده شده است (نجفی، ۱۳۹۲، ج ۳۱، ص ۲۵۱-۲۵۴؛ حرعاملی، بی تا، ج ۱۵، ص ۱۳۶).

ب) برگزاری آداب و رسوم دینی در روز هفتم ولادت نوزاد شامل: تراشیدن موی سر نوزاد و هم وزن آن طلا یا نقره صدقه دادن، ختنه کردن نوزاد پسر، ولیمه دادن و عقیقه کردن (نجفی، ۱۳۹۲، ج ۳۱، ص ۲۵۸-۲۶۰؛ شهید ثانی، بی تا، ج ۵، ص ۴۴۷ و ۴۴۸؛ امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۱۰).

ج) مراقبت از وضعیت معیشتی، امنیت روحی و روانی مادر نوزاد در دوران شیردهی، زیرا که آرامش و شادابی مادر به هنگام تغذیه کودک، اثر انکارناپذیری در رشد جسمی و روانی مطلوب کودک خواهد داشت.

د) فراهم آوردن امکان تغذیه نوزاد با شیر مادر به عنوان یک حق طبیعی برای فرزند، چراکه مادر موظف نیست به صورت رایگان به نوزاد شیر دهد، بلکه می تواند مطالبه اجرت کند. در صورتی که خود فرزند مالی نداشته باشد، اجرت بر عهده پدر خواهد بود چه، فرزند واجب النفقه پدر محسوب می شود (نجفی، ۱۳۹۲، ج ۳۱، ص ۲۷۲-۲۷۵).

ه) انتخاب دایه مناسب برای شیردهی زمانی که دسترسی به مادر نوزاد وجود نداشته باشد و یا به لحاظ عدم سلامت کامل جسمانی یا عقلی و یا اعتقادی او، امکان شیردهی نیست و یا مادر نمی‌خواهد به کودک خود شیر دهد. در روایات سفارش شده است که دقت شود دایه‌ای برای شیر دادن انتخاب گردد که مسلمان، عاقل، زیبا، خوش اخلاق، سالم و عفیف باشد، هرچند مزد اینان بیشتر از دیگران باشد، چون در کیفیت پرورش فرزند تأثیر دارد و همچنین از شیر دادن نوزاد توسط زنان احمق و ابله، بد اخلاق و بددهن و آنان که دارای انحراف اخلاقی و اعتقادی هستند و یا بیماری روانی دارند، نهی شده است (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۱۸۸ - ۱۸۹).

تربیت دینی بعد از دوران نوزادی: از سال دوم به بعد حس کنجکاوی کودک سبب می‌شود که همواره از سرچشمه و علل چیزها پرسش کند و در این زمان، بهترین آمادگی برای پذیرش ایمان و مسائل مذهبی وجود دارد. پدر بایستی زمینه مناسب برای پاسخ‌های صحیح و متناسب با بیانی قابل فهم، جذاب و محبت‌آمیز به این چاره‌جویی‌های کودک را فراهم آورد تا تصویری شفاف، مثبت و امیدوارکننده از مفاهیم مذهبی و به خصوص خداوند، صفات او و نعمت‌هایش در ذهن کودک ایجاد شود. پدر باید کودک خود را با پدید آوردن فضاهای مناسب، به تفکر در آثار خداوند عادت دهد و بهترین راه برای این امر، بردن کودک در دامن طبیعت، به پارک‌های حیات وحش و موزه‌های طبیعی و... است.

لقمان حکیم به فرزندش فرمود: «پسرم، ... در ملکوت آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها و آنچه را خداوند آفریده؛ بسیار بیندیش؛ چه این امر بیدارکننده قلب توست (مفید، بی‌تا، ص ۳۴۰).

تغذیه حلال و طیب: پدر به عنوان مسئول تأمین معیشت همسر و فرزندان باید نهایت دقت را در کسب درآمد حلال و ورود لقمه پاک و حلال بر سر سفره زندگی خود داشته باشد. کوتاهی در این زمینه آینده معنوی، اخلاقی و رفتاری فرزندان را به مخاطره می‌افکند. آموزش مبانی اعتقادی: در روایات، آموزش جمله تهلیل در

سه‌سالگی، آموزش شهادت به رسالت رسول اکرم^(ص) در ۳/۵ سالگی و تمرین صلوات از ۴ تا ۵ سالگی، آموزش دست چپ و راست از ۵ سالگی و آموزش قبله از ۶ سالگی مورد تأکید قرار گرفته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۴ - ۹۵). علاوه بر توصیه به آموزش شعائر اعتقادی، بر آموزش استدلالی اصول اعتقادی در سنین بالاتر نیز تأکید شده است (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

آموزش عملی فرایض و آداب دینی: پدر باید به تدریج و با صبر و ملایمت، عمل به احکام را به‌طور صحیح و ملموس به فرزندان نشان دهد تا در راه فراگیری احکام، دچار شبهه نشوند و چه زیباست که به همراه این آموزش عملی، فلسفه این احکام را تا حد ممکن به آنان متذکر شود؛ چنان‌که در سیره عملی معصومین^(ع) شاهد آن هستیم (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۰۸).

در روایات، آموزش رکوع و سجده از ۶ سالگی و تمرین نماز و بیدار شدن برای سحری از ۷ سالگی سفارش شده است.

پدران باید بدانند که عبادت باید در ظرف محبت ریشه گیرد و با معرفت رشد کند تا به عبودیت برسد. از این‌رو خشونت‌های بی‌جا و تحمیل‌های سنگین در آموزش امور دینی و بخصوص نماز، ثمره‌ای جز سطحی شدن و بی‌علاقگی فرزندان در پی نخواهد داشت.

از این‌روست که امام سجاد^(ع) به کودکانی که نزد او بودند، می‌فرمود که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را باهم بخوانند و علت این امر را چنین می‌فرمود که: این عمل برای آن‌ها سبک‌تر و بهتر است و سبب می‌شود که به خواندن نماز پیشی جویند و برای خوابیدن یا سرگرم شدن به کار دیگر، نماز را ضایع نسازند (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۱۶).

پدر خود باید نمونه عملی آراستگی به فضایل اخلاقی بوده و فرزندان را نیز به این امور تشویق کرده و تمرین و عادت دهد. اموری نظیر کمک به دیگران، گذشت، امر به معروف و نهی از منکر، صدقه و انفاق در راه خدا و... حضرت رضا^(ع) به محمد بن عمر بن یزید که دو پسرش را از دست داده بود و پسر خردسالی برایش مانده بود،

فرمود: «از طرف او صدقه بده، گوید: همین که خواستم برخیزم و از حضورش مرخص شوم به من فرمود:» دستور بده تا فرزند خردسالت به دست خودش قطعه نانی یا چیز دیگری صدقه دهد، اگرچه بسیار کم باشد... (حرعاملی، بی تا، ج ۶، ص ۲۶۱).

پدر بایستی در امر تربیت دینی به اصول زیر توجه داشته باشد:

۱. اصل آگاهی و معرفت و بیان مسائل برحسب توانایی فرزند؛
۲. اصل تدریج در آموزش نظری و عملی مفاهیم دینی؛
۳. اصل شور و احساس که با شرکت در اجتماعات مذهبی و مراکز دینی و ذکر داستان‌های مذهبی حاصل می‌گردد؛
۴. اصل مراقبت بر اعمال و رفتار دینی خود که در ایجاد عادات مذهبی و میل به عبادت در فرزند بسیار اهمیت دارد؛
۵. اصل تقارن و هم‌زمان کردن تربیت مذهبی با وقایع، اعیاد و شعائر دینی و مذهبی. پدر به عنوان رئیس خانواده باید در بزرگداشت اعیاد مذهبی نظیر عید فطر، قربان، غدیر و روز جمعه بکوشد و با دادن هدایایی به فرزندان در این روزها، آنان را خشنود کرده و در کنار آن به تبیین فضیلت این ایام پردازد (نوری، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۹۹)؛
۶. اصل اعتدال یعنی اینکه هرگز نباید پرورش مذهبی برای کودک مشقت داشته باشد؛
۷. اصل پیرایش محیط خانه از بدآموزی‌ها و عوامل انحرافی.

وفای به عهد: رعایت عدالت در مورد فرزندان عمل کردن به وعده‌هایی است که به آنان می‌دهیم، وفای به عهد از نشانه‌های ایمان است، و خداوند به آن بسیار سفارش کرده است. «و اوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤولاً» به عهد خویش وفا نمایید که البته از عهد و پیمان سؤال می‌شود (اسرا، آیه ۳۴). وظیفه والدین است که وعده خود به فرزندان را جامعه عمل بپوشاند. عمل به وعده، آثار بسیار نیکو و مثبتی بر فرزندان و خانواده دارد. وفا به عهد باعث اعتماد، محبت، تحکیم روابط خانوادگی، حفظ حیثیت و تحکیم مبانی تربیتی می‌شود (شریفی خوانساری، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸). دستور اسلام برای پدران و مادران، عملی کردن وعده‌هایی است که آنان به فرزندان خود می‌دهند؛ زیرا با عمل کردن به وعده‌ها شخصیت فرزندان خویش را

تحقیر کرده و به آنان درس دروغ‌گویی می‌دهند و با گفتار بی‌عمل خود سخنانی را که در آینده خواهند گفت، از پیش بی‌اعتبار می‌سازد و بی‌شک، این شیوه سلوک با فرزندان در روایات مردود شمرده است (مروجی طبسی، ۱۳۸۳، ص ۷۴).

فرزندی که از والدین خود، به‌ویژه پدر، بدعهدی ببیند، او را فردی فریبکار می‌شمارد و رفته‌رفته از وی بیزار می‌گردد. به این ترتیب، او نسبت به والدین بی‌اعتماد می‌شود و حتی اعتقاد او نسبت به اصول انسانی و اسلامی سست می‌گردد. بیان مطالب تربیتی و الفاظ زیبا و فریبا، هرگز نمی‌تواند جبران‌کننده زشتی خلف وعده شود و اثر آن را از دهن حساس و تزیین فرزند بزدايد (شریفی خوانساری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «احبوا الصبیان و ارحمهم و اذا وعدتموهم شیاً فقولوا لهم فانهم لا یدرون الا انکم ترزقونهم.» (حلی، بی‌تا، ص ۸۸)؛ فرزندان را دوست بدارید و با آنان از روی محبت و شفقت رفتار نمایید؛ و اگر وعده‌ای به آن دادید، به وعده خود عمل کنید، زیرا آنان روزی خود را به دست شما می‌بینید. امام علی (ع) از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمود: «إذا وعد احدکم صبیة فلینجز.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۷۳)؛ هر یک از شما، اگر به فرزند خود وعده‌ای می‌دهد بدان وفا کند.

حارث اعور از علی (ع) نقل می‌کند که فرمود: «عن علی علیه السلام قال لا یصلح من الکذب جد ولا هزل ولا ان یعد احدکم صبیة ثم لا یفی له ان الکذب یهدی الی الفجور و الفجور یهدی الی النار.» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۴۱۹)؛ دروغ گفتن شایسته نیست، به جد باشد یا به شوخی و سزاوار نیست کسی از شما وعده‌های به فرزندانش بدهد و به آن وفا ننماید، دروغ‌گویی به تبه‌کاری می‌انجامد و تبه‌کاری به آتش دوزخ، از نظر روان‌کاوی، کودک به یک جلب اعتماد و اطمینان، نیاز دارد و از آن مرکز ترحم و تلافی شدیداً احساس نیاز می‌نماید، پدر و مادر باید در عمل، یا فرزندانشان صادق باشند و تخلف در کارشان نسبت به فرزند اعمال ننماید و اعتماد فرزندانشان را نسبت به خود جلب و حفظ نمایند (موسوی‌راد لاهیجی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۳).

از مجموع این چند روایت استفاده می‌شود که اگر وعده‌های دادید حتماً به آن وفا کنید؛ زیرا آثار منفی خلف وعده نسبت به بزرگ و کوچک یکسان است.

همان‌گونه که شما از خداوند و حتی از بندگان او انتظار ندارید که به وعده‌هایشان وفا نکنند، کودکان نیز، انتظار ندارند که به وعده‌های که به آنان می‌دهید عمل نکنید. در روایات وفا نکردن به این قبیل وعده‌ها، تجاوز به حقوق کودک محسوب می‌شود و چون کودک نمی‌تواند از حق خود دفاع کند، زیر پا گذاشتن حق او خشم الهی را بر خواهد انگیزد که خداوند پشتیبان محرومان و ناتوانان است.

در اثر وفا نکردن به وعده‌های دروغین، دریچه‌ای به روی فرزندان خود باز می‌کنید که اولین دست آورد آن، پیدایش روحیه نفاق و دروغ‌گویی در کودکان است؛ زیرا کودکان، بیشتر از سیره عملی والدین درس می‌گیرند تا سخنان آن‌ها و به ترتیب احساس می‌کنند که دروغ گفتن زشت نیست و وفای به عهد و پیمان ضروری نیست و هیچ مانعی ندارد که برای حفظ ظاهر و نشان دادن عنایت خویش به دیگران، وعده‌های به آن‌ها بدهیم، اما با هزار بهانه و معذرت‌خواهی امروز و فردا کنیم و سرانجام نیز از عملی کردن وعده‌هایمان شانه خالی کنیم. بی‌تردید این‌گونه رفتارهای ناپسند زمینه‌ساز گوناگون کودکان و سبب دوری آن‌ها از پاکی و صداقت خواهد بود (مروجی طبسی، ۱۳۸۳، ص ۷۶، ۷۵).

برخی پژوهش‌ها نشان داده که نوع ارتباط کودک با خداوند، تحت تأثیر نحوه ارتباط والدین بوده است. پیش از آن‌که کودک با مفهوم خدا آشنا شود، والدین، به‌خصوص پدر و مادر را رب و صاحب‌اختیار خود می‌دانند و به تعبیری نقش خداوندی برای وی قائل است (و به همین دلیل، والدین خود را بی‌عیب و نقص و دارای همه کمالات و فضایل می‌دانند و حتی تصور هم نمی‌کنند که آنان، دارای عیب و نقص باشند). حال اگر والدین به وعده‌هایی که به کودک خود داده‌اند، عمل نکنند، او خلف وعده را به مفهوم خداوندی تسری می‌دهد و ناخودآگاه، در آینده، رابطه او با خداوند را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد. اتفاقاً در حدیث شریف نیز تعطیلی آمده که به این حقیقت اشاره دارد: «آنان تصور می‌کنند شما به آن‌ها می‌دهید». آن مفهومی که از خداوندی برای کودک، قابل فهم است «روزی‌رسانی» است و روزی‌رسانی در نظر او، برابر با خداوندگاری است. حال اگر از خداوندگار کودک خود، خلف

وعده ببیند نسبت به خداوند و جایگاه او، همواره بدبین می‌گردد (ری‌شهری، ۱۳۸۸، ص ۲۳۱). پدران فهیم و هوشیار باید به این روایات و نکاتی که بیان شود توجه ویژه داشته باشد که هیچ‌وقت وعده دروغ به فرزندان‌شان ندهند و اگر به فرزندان‌شان وعده دادند حتماً باید به آن وعده‌ها عمل کند تا فرزندان به پدر اعتماد کامل پیدا کنند و او را فرد دروغین فرض نکنند.

ضرورت‌ها

۱. احترام به فرزند و تکریم او: اندیشه غلط ابزار انگاری کودکان به‌ویژه از ناحیه پدران، تکریم فرزندان را تهدید می‌کند و مراعات احترام کودک از بسیاری آسیب‌های روانی پیشگیری کرده و حس خداپاوری و اعتمادبه‌نفس را در کودکان که در ارتباط اجتماعی آینده آنان بسیار مهم است، تقویت می‌نماید.

پیامبر^(ص) فرمودند: «اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم یغفرلکم» (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۱۹۵).

در روایات، مصادیق فراوانی از احترام به کودکان مورد تصریح قرار گرفته که باید ملاک عمل پدران قرار گیرد؛ مصادیقی از قبیل سلام به کودکان، پیامبر^(ص) فرمودند: پنج چیز است که تا مرگ، ترک نکنم... و سلام دادن بر کودکان تا این رفتار بعد از من در میان مسلمانان سنت گردد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۱۰).

همچنین محترمانه نام بردن از فرزند و او را به اوصاف و لقب‌هایی که حاکی از مهر و محبت و یادآور خیر و فضیلت هستند، صدا زدن. این عمل علاوه بر تشدید روابط مهرآمیز، شخصیت کودک را به خوب بودن و به رشد و کمال سوق می‌دهد. برخورد محترمانه با کودکان در مجالس و در حضور دیگران نیز در روایات سفارش شده است. در این رابطه پیامبر^(ص) فرمودند: «هرزمان که فرزندان را نام می‌برید، به کرامت این کار را انجام دهید و در مجلس برای او جا باز کنید و بر او چهره درهم نکشید» (حائری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۷۴).

از مصادیق برجسته احترام به کودک، احترام به مادر اوست. این امر موجب تعادل

روانی در فضای خانه شده و خود نوعی آموزش ضمنی احترام به والدین و دیگران نیز محسوب می‌شود. پیامبر^(ص) فرمودند: «از حقوق فرزند بر پدر خود آن است که مادر وی را احترام و اکرام کند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۹).

۲. ارتباط کلامی مستمر، مثبت و مؤثر: زبان دارای سه کارکرد مهم ارتباطی، هیجانی و فکری (کمک به اندیشیدن) است که این کارکردها به لحاظ تربیتی دارای اهمیت بسیاری دارند. مواردی چند باید در ارتباط کلامی در امر تربیت مورد دقت پدران قرار گیرد:

۱- ظرفیت عقلی و احساسی کودک رعایت شود. ۲- کلام دوسویه (گفتگو) باشد تا بازخوردی در مورد مثبت بودن عملکرد خود داشته و در مخاطب نیز ایجاد اعتماد نماید. ۳- کلام را محمل هیجانات منفی (تحقیر، ناسزا گفتن) در مقابل فرزند قرار ندهد، بلکه آن را وسیله انتقال پیام‌ها و عواطف مثبت (محبت، شادی، خشنود کردن) قرار دهد. در سرزنش نیز باید کلام، مؤدب و محترمانه باشد. ۴- کلام را دچار تکرار مغل و ممل ننماید تا امکان اثرگذاری آن در آینده باشد. ۵- ارتباط کلامی، مستمر و به‌جا باشد. با توجه به این امر است که در رابطه با کودکان یتیم توصیه می‌کند که علاوه بر خوراک و پوشاک آنان به ارتباط کلامی پسندیده با آنان نیز دقت شود: «وَأَرْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء، آیه ۵).

۳. دانش‌افزایی پدران در امر تربیت: از آنجاکه بدون آگاهی از ارزش‌ها و شناخت مصادیق آن‌ها در هر روزگار، امکان تأدیب وجود ندارد، لذا پدران بایستی خود را همواره در معرض آموزش‌ها و مشاوره‌های تربیتی قرار دهند تا هم در بعد شناختی، خود را رشد دهند و هم در بعد رفتاری، مهارت‌های لازم را کسب نمایند. از این‌روست که پیامبر^(ص) فرمودند: «اعلموا الخیر و ذکرُوا به اهلکم فادبوهم علی طاعة الله» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۸۳)، و نیز فرمودند: «علموا انفسکم و اهلکم الخیر و ادبوهم» (هندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۳۶).

۴. انتظار به‌جا از فرزند: پدر باید همواره مراقب باشد که انتظاراتش از فرزند در محدوده استعدادها و توانمندی‌های او باشد و هرگز خواسته‌های خود را بر او تحمیل

نکند و نیز فرزند خود را با دیگران مقایسه ننماید؛ بنابراین پدر آنچه را که کودک در توان داشته و انجام داده باید با محبت از او بپذیرد چه انتظار بیش از توان کودک او را به گناه، طغیان و دروغ می‌کشاند.

رسول اکرم (ص) فرمودند: «رحمت خدا بر کسی که به نیکوکاری و خوب شدن فرزندش کمک کند». راوی گوید به آن حضرت عرض کردم: چگونه؟ فرمود: «آنچه را که فرزند در توان داشته و انجام داده است از او قبول کند و آنچه انجام آن برای او سنگین است از او نخواهد و او را به ستم و بدی و کار زشت متهم نسازد و با او ناسازگاری ننماید» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۰).

۵. زمان‌شناسی و استفاده از فرصت‌ها: از مراتب مدیریت پدر در خانه، مدیریت زمانی است. در امر تربیت، زمان‌شناسی بسیار مهم است. پدر باید به نکاتی در این مورد توجه نماید: اولاً بداند که کودکی زمینه مناسب و مساعدی برای نهادینه شدن بسیاری از مسائل اخلاقی، اعتقادی و رفتاری است.

علی (ع) در نامه‌ای به فرزندشان امام حسن (ع) می‌نویسند: «فرزند عزیزم در راه تربیت تو از فرصت استفاده کردم و قبل از آن که قلب کودکانه‌ات سختی بگیرد و اندیشه‌ات به امور دیگر مشغول گردد، به تربیت تو مبادرت کردم و وظیفه پدری را در حق تو بجا آوردم...» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

ثانیاً پدر بایستی بر برنامه‌ریزی بهینه برای اوقات فراغت فرزندان و بهره‌گیری آموزشی و کسب مهارت‌های اجتماعی آنان در این اوقات نظارت کند و میزان حضور خود را با این اوقات، به تناسب، تنظیم نماید. تفریحات و سفرها و عبادت‌های خانوادگی فرصت‌های تربیتی مناسبی است که غالباً با بی‌اعتنایی پدران به هدر می‌روند. ثالثاً پدر باید شناخت صحیحی از زمان و فضای تربیتی کودک خود داشته باشد. علی (ع) فرمودند: «آداب مخصوص خودتان را بر فرزندان تحمیل نکنید، زیرا آنان برای شرایط و اوضاع زمانی، غیر از اوضاع و شرایط زمانی که شما زندگی می‌کنید، خلق شده‌اند» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۲۰ ص ۲۶۷). رابعاً پدر باید با توجه به موقعیت تربیتی خاص، رفتاری مؤثر و متناسب با آن را ارائه دهد. توجه به

تشویق به جا و هدفدار به عنوان ابزاری مهم برای ایجاد و تقویت رفتارهای مثبت به ویژه از سوی پدران، بسیار حائز اهمیت است. در برخورد با رفتارهای منفی نیز پدر بایستی به مراحل تربیتی روش های اصلاح رفتار، آگاهی و تسلط داشته باشد. امام موسی کاظم^(ع) به فردی که از فرزند خود به ایشان شکایت کرد، فرمودند: «او را مزن، با او قهر کن ولی قهرت طولانی نشود (حلی، بی تا، ص ۷۹).

نتیجه گیری

اسلام در سیستم تربیتی خود در رابطه با کودک برای پدر نقش ویژه و غیرقابل جایگزینی قائل است و پدر را از ارکان و عناصر اصلی چنین سیستمی به شمار می آورد و او را مسئول ایجاد ارتباط، هماهنگی، هدفداری و تمامیت این سیستم نیز می داند. الگوی وظایف تربیتی پدر در آیات و روایات در مراحل مختلف رشد کودک و در ارتباط با گونه های مختلف تربیت، تبیین شده و زمینه های لازم برای ایجاد التزام و تسهیل در اجرای این وظایف و روش های مؤثر ایفای آن ها نیز ارائه گردیده است. طرح این الگوی مناسب در سطح جامعه و در محیط خانواده از طریق مراکز فرهنگی و رسانه ها به ویژه قبل از ازدواج می تواند به تحکیم نقش پدران در تربیت فرزندان، تکوین تربیتی کامل، همگون و هماهنگ در محیط خانواده و تحویل انسان های متعادل و فعال به جامعه کمک کرده و از ایجاد مشکلات بسیاری در سطح خانواده و اجتماع پیشگیری به عمل آورد.

فهرست منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، ابوحامد بن هبة‌الله، (۱۳۷۸)، شرح نهج البلاغة، دار احیاء الکتب العربیة.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الثانية.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۶)، مناقب آل ابی طالب، نجف: مطبعة الحیدریة.
۴. ابن فهد حلّی، احمد، (بی‌تا)، عدة الداعی ونجاح الساعی، قم: مكتبة الوجدانی.
۵. امام خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۹۰)، تحریر الوسيلة، نجف: مطبعة الادب، الطبعة الثانية.
۶. بخاری جعفی، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱)، صحیح البخاری، بیروت: دار الفکر.
۷. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۳)، دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام والقضایا والاحکام عن اهل البيت رسول الله علیه وعلیهم افضل السلام، قاهره: دار المعارف.
۸. حائری، محمد مهدی، (۱۳۸۵)، شجرة الطوبی، نجف: مكتبة الحیدریة، الطبعة الخامسة.
۹. حر عاملی، شیخ محمد بن حسن، (بی‌تا)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. شریفی خوانساری، محمدرضا، (۱۳۸۳)، حقوق فرزندان بر والدین از نگاه اسلام، انتشارات بنی‌زهر (علیه‌السلام).
۱۱. شهید ثانی، زین‌الدین علی جبعی عاملی، (بی‌تا)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، بیروت، دار العالم الاسلامی.

۱۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، (۱۳۷۶)، الأمالی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی، چاپ ششم.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، (۱۳۸۷)، التوحید، قم: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، (۱۳۶۱)، معانی الاخبار، قم: انتشارات اسلامی.
۱۵. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۳۲ق)، مکارم الاخلاق، منشورات الشریف الرضی، الطبعة السادسة.
۱۶. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، الطبعة الرابعة.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، بیروت: مؤسسه الوفاء، الطبعة الثانية.
۱۸. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۸۸)، حکمتنامه جوان، همکار غلامعلی، ترجمه مهدی مهرورزی، ناشر دار الحديث، چاپ هفتم.
۱۹. مروجی طبسی، محمدجواد، (۱۳۸۳)، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۰. مفید، محمد بن نعمان، (بی تا)، الاختصاص، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية.
۲۱. موسوی‌راد لاهیجی، سید حسین، (۱۳۷۷)، پدر و مادر مرا خوب تربیت کن، ویژه پسران، انتشارات امام‌شناسی و آثار الحجة (عج).
۲۲. نجفی، شیخ محمدحسن، (۱۳۹۲)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار الکتب الاسلامیة.



۲۳. نوری طبرسی، حسین، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت^(ع) لاحیاء التراث.
۲۴. هندی برهان خوری، علی متقی بن حسام‌الدین، (۱۴۰۹)، کنز العمال فی سنن الاقوال والاحوال، بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۵. یعقوبی، احمد، (بی‌تا)، تاریخ یعقوبی، قم: مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت^(ع).